

به قلم دکتر رشید جعفرپور، مدرس دانشگاه:

از انسجام ملی تا همگرایی فرامذهبی؛ تشییع تاریخی رهبر انقلاب چگونه معادلات داخلی و منطقه‌ای را بازتعریف کرد؟

مراسم وداع، تشییع و تدفین رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای، از سیزدهم تا هجدهم تیرماه، در سلسله آیین‌هایی پیوسته و کم‌سابقه در تهران، قم، نجف اشرف، کربلای معلی و مشهد مقدس برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی اعتلای نهادهای مردمی، دکتر رشید جعفرپور، مدرس دانشگاه در یادداشتی با عنوان "از انسجام ملی تا همگرایی فرامذهبی؛ تشییع تاریخی رهبر انقلاب چگونه معادلات داخلی و منطقه‌ای را بازتعریف کرد؟" آورده است؛

مراسم وداع، تشییع و تدفین رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای، از سیزدهم تا هجدهم تیرماه، در سلسله آیین‌هایی پیوسته و کم‌سابقه در تهران، قم، نجف اشرف، کربلای معلی و مشهد مقدس برگزار شد. آیین وداع مردمی که در روزهای سیزدهم و چهاردهم در مصلاي امام خمینی(ره) تهران، مراسم اصلی تشییع در پانزدهم از خیابان دماوند تا میدان آزادی تهران، آیین تشییع از مسجد جمکران تا حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س) شهر مقدس قم در شانزدهم و مراسم باشکوه در نجف اشرف و کربلای معلی در هفدهم و سرانجام مراسم تشییع و تدفین در روز هجدهم در شهر مقدس مشهد در کنار بارگاه ملکوتی ثامن‌الحجج حضرت امام رضا(ع) برگزار شد، زنجیره‌ای از بزرگ‌ترین اجتماعات مردمی جهان اسلام را رقم زد که با حضور گسترده اقشار مختلف مردم، شخصیت‌های دینی، هیئت‌های مذهبی، مقامات سیاسی و نمایندگان کشورهای مختلف همراه بود.

این مراسم، صرفاً یک آئین سوگواری برای بدرقه یک رهبر سیاسی و مذهبی نبود، بلکه به رویدادی چندوجهی با ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تمدنی و ژئوپلیتیکی تبدیل شد که آثار و پیامدهای آن از مرزهای جمهوری اسلامی ایران فراتر رفت و در سطح منطقه و جهان بازتاب یافت. گستردگی مشارکت مردمی، استمرار مراسم در مراکز اصلی جهان تشیع و بازتاب وسیع آن در رسانه‌های بین‌المللی، این رخداد را به موضوعی مهم برای تحلیل در حوزه‌های جامعه‌شناسی سیاسی، مطالعات راهبردی، روابط بین‌الملل و مطالعات فرهنگی تبدیل کرده است.

از منظر تحلیل راهبردی، چنین رویدادی را نمی‌توان صرفاً در چارچوب یک مناسبت مذهبی یا احساسی ارزیابی کرد؛ بلکه باید آن را به‌عنوان نمادی از ظرفیت بسیج اجتماعی، کارکرد قدرت نرم، تأثیر مناسک دینی بر همگرایی فراملی و نقش سرمایه‌های فرهنگی در شکل‌دهی به معادلات سیاسی مورد مطالعه قرار داد. از این منظر، بررسی پیامدهای این مراسم در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند تصویری روشن‌تر از ابعاد اجتماعی، سیاسی و راهبردی آن و تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت آن بر محیط داخلی، محیط پیرامونی و نظام بین‌الملل ارائه کند. در این چارچوب، مفاهیمی چون سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی، هویت جمعی، حافظه جمعی، مناسک جمعی، قدرت نرم، سرمایه نمادین و دیپلماسی عمومی می‌توانند چارچوب نظری مناسبی برای تحلیل آثار و پیامدهای این رویداد تاریخی فراهم آورند.

بخش اول: آثار و پیامدهای داخلی

۱. انسجام و همبستگی اجتماعی

مراسم وداع و تشییع گسترده رهبر شهید انقلاب اسلامی، علاوه بر جنبه‌های عاطفی، توانسته به فرصتی برای بازسازی و تقویت همبستگی اجتماعی تبدیل شود. حضور اقشار مختلف مردم با گرایش‌ها، قومیت‌ها و سلايق گوناگون در این آیین مشترک، نشان‌دهنده وجود سرمایه‌های فرهنگی و هویتی مشترکی است که در بزنگاه‌های تاریخی قابلیت فعال شدن دارند. از منظر جامعه‌شناسی، این وضعیت را می‌توان تجلی سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی دانست؛ مفاهیمی که بیانگر سطح اعتماد، همبستگی و همکاری میان اعضای جامعه در شرایط حساس هستند. همچنین، شکل‌گیری احساس مشترک در میان میلیون‌ها شرکت‌کننده را می‌توان با مفهوم وجد جمعی توضیح داد؛ حالتی که طی آن مشارکت در یک آیین فراگیر، احساس تعلق و هویت مشترک را تقویت می‌کند. این رویداد بزرگ بلکه بزرگترین رویداد تاریخ، با مشارکت فراگیر، توانسته احساس تعلق به هویت ملی و دینی را تقویت کرده، شکاف‌های اجتماعی را تا حد زیادی کاهش دهد و زمینه را برای تأکید بر وحدت، همدلی و اولویت یافتن منافع ملی بر اختلافات سیاسی و جناحی فراهم سازد.

۲. استمرار ساختارهای حاکمیتی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای سیاسی این مراسم و بلکه حماسه ملی، نمایش توانایی نظام حکمرانی در مدیریت دوره‌های حساس و انتقال قدرت در چارچوب سازوکارهای قانونی و نهادی است. چنانچه ملاحظه شده، فرآیندهای تصمیم‌گیری، اداره امور کشور و تعیین جانشینی بدون اختلال و در فضایی آرام دنبال شده، این امر توانسته پیام روشنی از ثبات، انسجام و کارآمدی ساختارهای حکومتی به جامعه و ناظران بیرونی منتقل کند. استمرار فعالیت نهادهای رسمی در این شرایط، ضمن کاهش نگرانی‌های عمومی درباره خلأ مدیریتی، اعتماد به ظرفیت‌های نهادی کشور برای عبور از شرایط بحرانی را نیز تقویت کرده است. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، استمرار فعالیت نهادهای رسمی در کنار مشارکت گسترده مردم، می‌تواند به تقویت مشروعیت نهادی و افزایش اعتماد عمومی نسبت به کارآمدی ساختارهای حکمرانی بینجامد.

شهادت رهبر انقلاب اسلامی، آغازگر مرحله‌ای جدید در بازخوانی و بازتفسیر میراث فکری فرهنگی و سیاسی ایشان است. در این شرایط، اندیشه‌ها، مواضع و عملکرد وی بار دیگر در کانون توجه نهادهای علمی، فرهنگی، رسانه‌ای و سیاسی قرار گرفته و زمینه برای تولید آثار پژوهشی، مستندها، کتاب‌ها و تحلیل‌های مختلف فراهم شده است. این فرآیند می‌تواند به بازتولید گفتمان سیاسی، انتقال تجربه به نسل‌های جدید و تبیین مجدد اصول و آرمان‌هایی که در دوره رهبری ایشان دنبال شده است، بینجامد. هم‌زمان، شکل‌گیری روایت‌های متنوع درباره میراث سیاسی ایشان، بخشی از فرایند طبیعی بازخوانی تاریخی در جامعه خواهد بود و می‌تواند بر جهت‌گیری‌های فکری و سیاسی آینده نیز اثرگذار باشد. در این فرآیند، حافظه جمعی جامعه نیز بازتولید می‌شود؛ زیرا مراسم تشییع و روایت‌های مرتبط با آن، به بخشی از حافظه تاریخی نسل‌های آینده تبدیل شده و در بازتعریف هویت ملی و انقلابی نقش ایفا می‌کند.

بخش دوم: آثار و پیامدهای منطقه‌ای

۱. نمایش پیوندهای فرهنگی و مذهبی

برگزاری مراسم وداع و تشییع با مشارکت گسترده هیئت‌های مذهبی، شخصیت‌های دینی و سیاسی و گروه‌های مردمی از کشورهای مختلف منطقه، بیانگر عمق پیوندهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی شکل‌گرفته میان جوامع اسلامی است. این رویداد، علاوه بر ابعاد آیینی، کارکردی فراتر از یک مراسم سوگواری یافته و به بستری برای تقویت هویت مشترک، همبستگی فراملی و تعامل میان ملت‌های مسلمان تبدیل شده است. حضور داوطلبانه اقشار مختلف از کشورهای منطقه در این مناسبت، نشان‌دهنده ظرفیت مناسک دینی در ایجاد سرمایه اجتماعی فرامرزی و تقویت احساس تعلق به یک جامعه فرهنگی و اعتقادی گسترده‌تر است. این رویداد را می‌توان نمونه‌ای از کارکرد مناسک جمعی در ایجاد همبستگی فراملی دانست؛ مناسکی که علاوه بر کارکرد دینی، موجب تقویت شبکه‌های ارتباطی، سرمایه اجتماعی فرامرزی و شکل‌گیری هویت مشترک میان جوامع مسلمان می‌شوند.

۲. نقش نجف اشرف و کربلای معلی

نجف اشرف و کربلای معلی به‌عنوان دو کانون اصلی مرجعیت دینی، اندیشه شیعی و فرهنگ عاشورا، جایگاهی فراتر از مرزهای عراق دارند و در تحولات فرهنگی و اجتماعی جهان تشیع نقش‌آفرین هستند. برگزاری یا میزبانی بخشی از مراسم در این دو شهر، نمادی از استمرار پیوندهای تاریخی، اعتقادی و مردمی میان ایران و عراق تلقی شده و ظرفیت‌های وحدت‌آفرین این دو مرکز دینی را بیش از پیش نمایان ساخته است. حضور علما، مراجع، موکب‌داران، هیئت‌های مذهبی و خیل عظیم زائران در این رویداد، علاوه بر افزایش ابعاد مردمی مراسم، نقش نجف و کربلا را به عنوان محورهای همگرایی فرهنگی و مذهبی در منطقه برجسته کرده و بر جایگاه این دو شهر در شکل‌دهی به افکار عمومی جهان تشیع تأکید کرده است. نجف اشرف و کربلای معلی، علاوه بر جایگاه مذهبی، از منظر جامعه‌شناسی فرهنگی، واجد سرمایه نمادین هستند؛ سرمایه‌ای که از طریق اعتبار تاریخی، مرجعیت دینی و جایگاه معنوی، توانایی ایجاد همگرایی فرهنگی و تقویت هویت مشترک را در میان پیروان خود دارد.

۳. تأثیر بر روابط منطقه‌ای

مراسمی با این گستره، علاوه بر ابعاد اجتماعی و مذهبی، توانسته در سطح روابط منطقه‌ای نیز پیام‌ها و آثار سیاسی قابل توجهی به همراه داشته باشد. حضور یا موضع‌گیری دولتها، احزاب، شخصیت‌های سیاسی و جریان‌های اجتماعی منطقه، بیانگر نحوه ارزیابی آنان از اهمیت این رویداد و جایگاه آن در معادلات منطقه‌ای است. این رویداد به تقویت تعاملات میان بازیگران همسو، افزایش گفت‌وگوهای سیاسی و فرهنگی و بازتعریف برخی مناسبات منطقه‌ای منجر می‌شود. در عین حال، میزان و نوع تأثیرگذاری آن بر روابط میان دولتها و جریان‌های مختلف، تابع تحولات بعدی و نحوه مدیریت پیامدهای سیاسی و دیپلماتیک این رویداد خواهد بود. از منظر روابط بین‌الملل، این رویداد را می‌توان در چارچوب دیپلماسی عمومی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و مردمی برای توسعه تعاملات منطقه‌ای نیز تحلیل کرد.

بخش سوم: آثار و پیامدهای بین‌المللی

۱. بازتاب رسانه‌ای و شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی

مراسمی با این گستره و حجم مشارکت، به طور طبیعی به یکی از مهم‌ترین رویدادهای خبری جهان تبدیل شده و توجه رسانه‌های بین‌المللی، اندیشکده‌ها و مراکز مطالعاتی را به خود جلب کرده است. نحوه بازنمایی این مراسم در رسانه‌های مختلف، متأثر از رویکردهای سیاسی، ایدئولوژیک و حرفه‌ای آنان بوده؛ از این‌رو ممکن است روایت‌های متفاوتی از ابعاد و پیامدهای آن ارائه شود. با این حال، فارغ از این تفاوت‌ها، گستردگی حضور مردمی و ابعاد رسانه‌ای مراسم می‌تواند در شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی، افزایش شناخت از تحولات ایران و بازتعریف برخی برداشتها درباره ظرفیت بسیج اجتماعی و نقش باورهای دینی در تحولات سیاسی و اجتماعی مؤثر باشد. همچنین، تفاوت در بازنمایی این رویداد در رسانه‌های جهانی را می‌توان با مفهوم چارچوب‌بندی رسانه‌ای تحلیل کرد؛ به این معنا که هر رسانه متناسب با جهت‌گیری‌ها و مخاطبان خود، روایت متفاوتی از یک واقعیت واحد ارائه می‌کند.

۲. پیام‌های سیاسی و دیپلماتیک

واکنش دولتها، سازمان‌های بین‌المللی، رهبران سیاسی و شخصیت‌های مذهبی به چنین رویدادی، صرفاً در قالب پیام‌های تسلیت یا حضور در مراسم خلاصه نمی‌شود، بلکه بخشی از ادبیات دیپلماتیک و پیام‌های سیاسی آنان را نیز منعکس می‌کند. سطح مشارکت هیئت‌های رسمی، کیفیت

موضع‌گیری‌ها و نوع تعاملات دیپلماتیک شکل‌گرفته در حاشیه این مراسم، می‌تواند نشان‌دهنده ارزیابی بازیگران بین‌المللی از جایگاه و اهمیت این تحول باشد. از منظر روابط بین‌الملل، اینگونه رویدادها گاه به بستری برای بازتعریف مناسبات سیاسی، ارسال پیام‌های اعتمادساز یا بیان اختلاف‌نظرها تبدیل می‌شوند و از این رو، تحلیل واکنش‌های خارجی می‌تواند تصویری روشن‌تر از آرایش جدید روابط و موازنه‌های سیاسی در سطح بین‌المللی ارائه دهد. این سطح از تعاملات را می‌توان از مصادیق دیپلماسی عمومی و تأثیر قدرت نمادها و افکار عمومی بر روابط رسمی میان دولت‌ها دانست؛ حوزه‌ای که در ادبیات روابط بین‌الملل از آن به‌عنوان مکمل دیپلماسی سنتی یاد می‌شود.

۳. ابعاد فرهنگی، تمدنی و قدرت نرم

فراتر از ابعاد سیاسی، برگزاری این مراسم گسترده با مشارکت میلیون‌ها نفر، ظرفیت آن را داشته که به‌عنوان جلوه‌ای از فرهنگ عمومی، آیین‌های اجتماعی و سنت‌های دینی یک جامعه در سطح جهانی مورد توجه قرار گیرد. این رویداد توانسته بخشی از قدرت نرم یک کشور را از طریق نمایش انسجام اجتماعی، سرمایه فرهنگی، ظرفیت سازماندهی مردمی و تداوم سنت‌های تاریخی به نمایش بگذارد. همچنین، مطالعه این مراسم برای پژوهشگران حوزه‌های جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مطالعات دینی، ارتباطات و مردم‌شناسی می‌تواند به فهم بهتر رابطه میان دین، هویت، مشارکت اجتماعی و سیاست در جوامع معاصر کمک کند و تصویری عمیق‌تر از کارکرد آیین‌های جمعی در شکل‌دهی به سرمایه اجتماعی و هویت ملی و فراملی ارائه دهد. از این منظر، این مراسم را می‌توان تجلی قدرت نرم و قدرت نمادین دانست؛ ظرفیتی که از طریق جاذبه‌های فرهنگی، باورهای دینی، مشارکت داوطلبانه مردم و سرمایه‌های معنوی، بدون اتکا به ابزارهای سخت، بر افکار عمومی و معادلات اجتماعی و سیاسی اثر می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

مراسم وداع، تشییع و تدفین رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، را می‌توان یکی از مهم‌ترین رخدادها، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تاریخ معاصر جمهوری اسلامی ایران دانست؛ رخدادی که فراتر از یک آیین سوگواری، به عرصه‌ای برای نمایش ظرفیت‌های هویتی، فرهنگی، سیاسی و تمدنی انقلاب اسلامی تبدیل شد. گستره مشارکت مردمی، تداوم مراسم در شهرهای راهبردی ایران و عراق، حضور شخصیت‌های برجسته سیاسی و مذهبی و بازتاب گسترده آن در رسانه‌های جهانی، نشان داد که این رویداد واجد ابعادی چندلایه است که تحلیل آن صرفاً با رویکردهای عاطفی یا مناسکی امکان‌پذیر نیست.

در سطح ملی، این مراسم توانست سرمایه اجتماعی نظام را در مقطع انتقال رهبری تقویت کرده، انسجام ملی را حول ارزش‌های مشترک افزایش دهد و ظرفیت ساختارهای حقوقی و نهادی جمهوری اسلامی را در مدیریت یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی به نمایش بگذارد. همچنین، بازخوانی اندیشه‌ها و میراث فکری رهبر شهید انقلاب، زمینه‌ساز ورود گفتمان انقلاب اسلامی به مرحله‌ای جدید از بازتولید نظری و انتقال آن به نسل‌های آینده خواهد بود.

در سطح منطقه‌ای، استمرار مراسم در قم، مشهد، نجف اشرف و کربلای معلی، علاوه بر تحکیم پیوندهای تاریخی و مذهبی میان ملت‌های ایران و عراق، نقش این دو کشور را در شکل‌دهی به تحولات فرهنگی و هویتی جهان اسلام برجسته‌تر ساخت. این رویداد همچنین نشان داد که مناسک دینی، در کنار کارکردهای اعتقادی، از ظرفیت بالایی برای تقویت همگرایی منطقه‌ای، افزایش سرمایه اجتماعی فراملی و توسعه دیپلماسی عمومی در جهان اسلام برخوردارند.

در سطح بین‌المللی نیز، بازتاب گسترده رسانه‌ای و واکنش دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نخبگان سیاسی و فکری، این مراسم را به یکی از مهم‌ترین موضوعات تحلیل در عرصه روابط بین‌الملل تبدیل کرد. فارغ از تفاوت روایت‌ها و مواضع سیاسی، این رویداد بار دیگر اهمیت قدرت نرم، نقش افکار عمومی، ظرفیت بسیج مردمی و تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی و دینی در معادلات قدرت را آشکار ساخت و نشان داد که تحولات بزرگ اجتماعی همچنان می‌توانند بر محاسبات سیاسی و راهبردی بازیگران بین‌المللی اثرگذار باشند.

در مجموع، مراسم وداع، تشییع و تدفین رهبر شهید انقلاب اسلامی را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام دانست که آثار و پیامدهای آن، محدود به زمان برگزاری مراسم نخواهد بود، بلکه در سال‌های آینده نیز در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، رسانه‌ای و ژئوپلیتیکی قابل مشاهده و ارزیابی خواهد بود. از این منظر، مطالعه دقیق این رویداد می‌تواند به فهم عمیق‌تر از نسبت میان رهبری، سرمایه اجتماعی، هویت دینی، قدرت نرم و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی کمک کند و زمینه را برای تولید ادبیات علمی و راهبردی جدید درباره نقش مناسک بزرگ اجتماعی در شکل‌دهی به آینده جوامع و نظام بین‌الملل فراهم سازد.

بنابراین می‌توان چند «نکته راهبردی» را استخراج نمود؛

ضرورت صیانت و تقویت سرمایه اجتماعی انقلاب.

تبدیل ظرفیت مردمی به قدرت نرم پایدار.

بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای برای تثبیت روایت انقلاب در سطح منطقه و جهان.

تقویت همکاری‌های فرهنگی و مردمی میان ایران، عراق و سایر کشورهای اسلامی.

تبیین و نهادینه‌سازی مکتب فکری رهبر شهید به‌عنوان پشتوانه نظری «گام دوم انقلاب اسلامی».